



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی

عنوان پایان نامه

اثر بخشی آموزش راهبردهای شناختی بر کاهش اختلالات یادگیری

در کودکان دبستانی

استاد راهنما:

دکتر کامران یزدانبخش

استاد مشاور:

دکتر جهانگیر کرمی

نگارش:

انور میری

شهریور ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده علوم اجتماعی

گروه روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی

گرایش عمومی

تحت عنوان

اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی بر کاهش اختلالات یادگیری

در کودکان دبستانی

در تاریخ	توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه	به تصویب نهایی رسید.
۱-استاد راهنما	دکتر کامران یزدان بخش	با مرتبه ی علمی استادیار امضاء
۲-استاد مشاور	دکتر جهانگیر کرمی	با مرتبه ی علمی استادیار امضاء
۳-استاد/استادان داور داخل گروه	دکتر	با مرتبه ی علمی استادیار امضاء
۴-استاد/استادان داور خارج از گروه	دکتر	با مرتبه ی علمی استادیار امضاء

الحمد لله على ما هدينا

خدای را بسیار شاکرم که توانستم این مختصر را با یاری دوستان و همکاران گرامی به پایان برسانم
سپاس خالصانه خود را تقدیم میکنم به:

همه کسانی که در ارض خدمت به بشریت از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.

چکیده

اختلالات یادگیری به گروهی از اختلالات ناهمگن اطلاق می‌شود که به صورت اختلال جدی در فراگیری و کاربردگوش دادن، حرف زدن، خواندن، نوشتن و محاسبه تظاهر می‌کند. از ویژگی‌های مهم این کودکان، اختلال در کارکرد حافظه (مثلاً نقص در حافظه کوتاه مدت و حافظه کاری و نقص در رمزگردانی و راهبردهای شناختی و فراشناختی) است.

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی بر اختلالات یادگیری (ریاضی، خواندن و املاء) در دانش‌آموزان دبستانی است.

پژوهش حاضر یک مطالعه تجربی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش است. متغیر مستقل آموزش راهبردهای شناختی و متغیر وابسته اختلالات یادگیری است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزانی بودند که دارای اختلال یادگیری در مدارس ابتدایی شهرستان سقز بودند. ۳۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه (۱/۲۰) ساعته آموزش راهبردهای شناختی را دریافت کردند که هر هفته ۲ جلسه و حدود ۱ ماه آموزش گروه آزمایش طول کشید. گردآوری داده‌ها به کمک سه آزمون، اختلال خواندن و نارساخوانی، مقیاس ریاضیات ایران کی‌مت و آزمون املاء بود. برای نشان دادن تفاوت گروه‌ها، ابتدا میانگین وانحراف معیار گروه‌های آزمایش و گواه محاسبه شد و سپس از تحلیل کواریانس برای تحلیل نهایی داده‌ها استفاده شد.

با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به عنوان متغیر همپراش (کمکی)، مداخلات راهبردهای شناختی به تفاوت معنادار بین گروه آزمایش و کنترل منجر شد. ($P=0/001$). یعنی آموزش راهبردهای شناختی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان در اختلالات یادگیری تأثیر داشته است.

نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به عنوان متغیر همپراش، آموزش راهبردهای شناختی بر افزایش و بهبود عملکرد ریاضی، املاء و خواندن دانش‌آموزان دبستانی دچار ناتوانی‌های یادگیری تأثیر داشته است.

کلمات کلیدی: اختلالات یادگیری، راهبردهای شناختی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل یکم: مقدمه
۵	۱-۱- بیان مسله.....
۷	۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۸	۳-۱- اهداف تحقیق.....
۸	۱-۳-۱- اهداف اصلی.....
۸	۱-۳-۲- هدف های فرعی.....
۸	۴-۱- فرضیه های پژوهش.....
۸	۱-۴-۱- فرضیه اصلی.....
۹	۲-۴-۱- فرضیه های فرعی.....
۹	۵-۱- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها.....
۹	۱-۵-۱- راهبردهای شناختی.....
۹	۲-۵-۱- اختلال خواندن.....
۱۰	۳-۵-۱- اختلال ریاضی.....
۱۰	۴-۵-۱- اختلال نوشتن(املاء).....

فصل دوم: پیشینه پژوهش

۱۳	۱-۲- قسمت اول: اختلالات یادگیری.....
۱۳	۱-۱-۲- تعریف اختلالات یادگیری.....
۱۳	۲-۱-۲- تعریف DSM-IV-TR از اختلالات یادگیری.....
۱۴	۳-۱-۲- تعریف کمیته مشترک ملی مربوط به اختلالات یادگیری در آمریکا(NJCLD).....
۱۴	۴-۱-۲- تعریف اختلالات یادگیری توسط دولت فدرال آمریکا.....
۱۵	۲-۲- دوره‌های مختلف در تعریف اختلال یادگیری.....
۱۵	۱-۲-۲- الف- دوره آسیب دیده مغزی.....
۱۷	۲-۲-۲- ب- دوره‌ی اختلال جزئی در کارکرد مغز.....
۱۷	۳-۲-۲- ج- دوره اختلال یادگیری.....
۱۸	۳-۲- تاریخچه اختلالات یادگیری.....
۱۸	۱-۳-۲- مرحله بنیادی.....
۱۹	۲-۳-۲- مرحله انتقالی.....
۱۹	۳-۳-۲- مرحله یکپارچه سازی.....
۱۹	۴-۳-۲- مرحله معاصر.....

- ۴-۲-۴- ویژگی ها و اختلالات توام با اختلالات یادگیری ۱۹
- ۴-۲-۱- شیوع اختلالات یادگیری ۲۰
- ۴-۲-۲- تفاوت های جنسیتی ۲۱
- ۴-۲-۳- مقایسه اختلالات یادگیری با سایر اختلالات ۲۲
- ۴-۲-۵- نظریه های مربوط به اختلالات یادگیری ۲۳
- ۴-۲-۵-۱- نظریه غلبه طرفی مغز ۲۳
- ۴-۲-۵-۲- نظریه روانکاوان ۲۴
- ۴-۲-۵-۳- نظریه کوتاهی دامنه توجه ۲۵
- ۴-۲-۵-۴- نظریه فرابری آگاهای ها ۲۵
- ۴-۲-۵-۵- نظریه تاخیر در رشد ۲۶
- ۴-۲-۵-۶- نظریه ضایعات خفیف مغز ۲۷
- ۴-۲-۵-۷- نظریه چند عاملی ۲۸
- ۴-۲-۵-۸- نظریه شناخت گرایان ۲۸
- ۴-۲-۶- علل اختلالات یادگیری ۲۸
- ۴-۲-۶-۱- عوامل زیست شناختی و جسمانی ۲۸
- ۴-۲-۶-۲- عوامل ژنتیک ۲۹
- ۴-۲-۶-۳- عوامل محیطی ۲۹
- ۴-۲-۷- طبقه بندی اختلالات یادگیری ۳۰
- ۴-۲-۷-۱- اختلالات یادگیری عصب روانشناختی _ تحولی ۳۰
- ۴-۲-۷-۲- اختلالات یادگیری تحصیلی ۳۰
- ۴-۲-۷-۳- اختلالات اجتماعی ۳۰
- ۴-۲-۸- مشکلات دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ۳۱
- ۴-۲-۸-۱- مشکلات تحصیلی ۳۲
- ۴-۲-۸-۲- مشکلات زبانی ۳۲
- ۴-۲-۸-۳- اختلالات حرکتی ۳۲
- ۴-۲-۸-۴- اختلالات ادراکی ۳۳
- ۴-۲-۸-۵- مشکلات اجتماعی و هیجانی ۳۴
- ۴-۲-۸-۶- نقص های فراشناختی ۳۵
- ۴-۲-۸-۷- نقص های شناختی ۳۶
- ۴-۲-۹- روش های شناسایی و تشخیص ۳۷
- ۴-۲-۹-۱- روش مشاهده ۳۷

- ۳۸-۲-۹-۲- روش مصاحبه.....
- ۳۸-۳-۹-۲- آزمون‌های روانی.....
- ۳۹-۱۰-۲- ملاک‌های تشخیص کودکان مبتلا به اختلال یادگیری.....
- ۳۹-۱۰-۲- ۱- ملاک ناهمخوانی.....
- ۳۹-۲-۱۰-۲- ناهماهنگی در رشد و تحول.....
- ۳۹-۳-۱۰-۲- ناهماهنگی بین عملکرد و انتظارات.....
- ۴۰-۴-۱۰-۲- ملاک استثناء.....
- ۴۰-۵-۱۰-۲- ملاک آموزش و پرورش استثنایی.....
- ۴۰-۱۱-۲- طبقه بندی اختلالات یادگیری در (DSM - IV - TR).....
- ۴۱-۱-۱۱-۲- اختلال خواندن.....
- ۴۲-۱-۱-۱۱-۲- میزان شیوع اختلال خواندن.....
- ۴۳-۲-۱۱-۲- اختلال ریاضی.....
- ۴۳-۱-۲-۱۱-۲- میزان شیوع اختلال ریاضی.....
- ۴۵-۳-۱۱-۲- اختلال در بیان نوشتاری.....
- ۴۵-۱-۳-۱۱-۲- میزان شیوع در بیان اختلال نوشتاری.....
- ۴۶-۴-۱۱-۲- اختلال یادگیری که به گونه ای دیگر مشخص نشده است.....
- ۴۷-۱۲-۲- راهبردهای شناختی.....
- ۴۹-۱-۱۲-۲- راهبردهای تکرار و مرور ذهنی.....
- ۵۱-۲-۱۲-۲- راهبرد بسط و گسترش معنایی.....
- ۵۲-۳-۱۲-۲- راهبرد سازمان دهی.....
- ۵۱-۱۳-۲- پیشینه پژوهش مربوط به علل و عوامل موثر در اختلال یادگیری.....
- ۵۲-۱۴-۲- پیشینه پژوهش مربوط به ویژگی های کودکان دارای ناتوانی های یادگیری.....
- ۵۵-۱۵-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به درمان اختلالات یادگیری.....

فصل سوم: روش تحقیق

- ۵۹-۱-۳- جامعه آماری.....
- ۵۹-۲-۳- نمونه آماری.....
- ۵۹-۳-۳- روش نمونه گیری.....
- ۶۰-۴-۳- ابزار پژوهش.....
- ۶۰-۱-۴-۳- آزمون اختلال خواندن و نارسا خوانی.....
- ۶۲-۲-۴-۳- آزمون اختلال ریاضی ایران کی مت.....
- ۶۳-۳-۴-۳- آزمون املاء.....

۶۳ ۵-۳ شیوه اجرا
۶۶ ۶-۳ روش تحقیق
۶۶ ۷-۳ طرح تحقیق
۶۷ ۸-۳ روش آماری تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

۶۹ ۱-۴ مشخصات جمعیت شناختی نمونه
۷۰ ۲-۴ یافته های کمی
۷۱ ۱-۲-۴ فرضیه اول
۷۳ ۲-۲-۴ فرضیه دوم
۷۵ ۳-۲-۴ فرضیه سوم

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۷۹ خلاصه طرح و نتایج پژوهش
۷۹ ۱-۵ بحث و نتیجه گیری
۸۲ ۲-۱-۵ فرضیه دوم
۸۴ ۳-۱-۵ فرضیه سوم
۸۵ ۲-۵ محدودیت های پژوهش
۸۵ ۳-۵ پیشنهادات
۸۵ ۱-۳-۵ پیشنهادات پژوهشی
۸۶ ۲-۳-۵ پیشنهادات کاربردی
۸۷ پیوست
۹۹ منابع

فهرست جدوال

صفحه

عنوان

جدول شماره ۱-۲

۲۱

جدول شماره ۲-۲

۳۹

جدول ۲-۳ ملاک های تشخیصی اختلال ریاضی

۴۰

جدول ۲-۴ ملاک های تشخیصی اختلال در بیان نوشتاری

۴۲

جدول ۳-۱ سرفصل محتوای جلسات آموزش راهبردهای شناختی

۶۲

جدول ۳-۲ دیاگرام طرح آزمایشی پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل

جدول ۴-۱ میانگین و انحراف معیار سن نمونه تحقیق

۶۵

۶۸

جدول ۴-۲ میانگین و انحراف معیار تعداد فرزندان خانواده

۶۹

جدول ۴-۳ فراوانی و درصد میزان تحصیلات پدر و مادر نمونه تحقیق در گروه آزمایش و کنترل

۶۹

جدول ۴-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون اختلال ریاضی
۷۰

جدول ۴-۵ نتایج آزمون لوین در مورد تساوی واریانس های دو گروه در اختلال ریاضی
۷۱

جدول ۴-۶ تحلیل کواریانس داده ها
۷۱

جدول ۴-۷ میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون در اختلال خواندن
۷۲

جدول ۴-۸ نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانس های دو گروه در اختلال خواندن
۷۳

جدول ۴-۹ نتایج تحلیل کواریانس اختلال خواندن
۷۳

جدول ۴-۱۰ میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون در آزمون املاء
۷۴

جدول ۴-۱۱ نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانس های دو گروه در اختلال
خواندن
۷۴

جدول ۴-۱۲ جدول تحلیل کواریانس آزمون املاء

فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

نمودار شماره ۲-۱ طبقه‌بندی اختلالات یادگیری

۳۵

نمودار ۴-۱ مقایسه نمرات اختلال ریاضی در مرحله پیش آزمون پس آزمون

۷۰

نمودار ۴-۲ مقایسه نمرات اختلال خواندن در مرحله پیش آزمون و پس آزمون

۷۲

نمودار ۴-۳ مقایسه نمرات اختلال املاء در مرحله پیش آزمون و پس آزمون

۷۵

فصل یکم

کلیات پژوهش

مقدمه

کودکان دارای هوش بهنجار که هیچ اختلال قابل طبقه‌بندی ندارند و در کارهای تحصیلی و مدرسه موفق نمی‌شوند به عنوان یک منبع نگرانی برای معلمان، والدین، محققان و همچنین دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. ضعف شیوه تدریس و همچنین عدم تلاش دانش‌آموزان به عنوان عوامل عللی این اختلال رد شده‌اند. کرک^۱ (۱۹۶۶) در جلسه‌ی که با حضور والدین نگران بچه‌ها تشکیل شده بود، اصطلاح ناتوانی‌های یادگیری^۲ را برای توصیف این وضعیت به کار برد. این اصطلاح به طور گسترده‌ای پذیرفته شده و هنوز از آن استفاده می‌گردد (کرک و همکاران، ۱۹۷۷).

ناتوانی یادگیری یکی از پیچیده‌ترین اختلال‌هایی است که در حیطه کودکان استثنایی مطرح است. این پیچیدگی در تعریف، طبقه‌بندی، ارزیابی و آموزش افراد با ناتوانی یادگیری انعکاس پیدا کرده است. بخشی از این پیچیدگی به این دلیل است که با توجه به ماهیت ناتوانی‌های یادگیری، حیطه‌های مختلفی نظیر پزشکی، عصب‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی با آن سروکار دارند. بخشی دیگر از این پیچیدگی به ویژگی‌های افراد با ناتوانی‌های یادگیری برمی‌گردد. این افراد گروه ناهمگنی را تشکیل می‌دهند. آنها علی‌رغم هوش متوسط و به بالا در یک یا چند حیطه تحصیلی مشکل جدی دارند. مشکلات تحصیلی آنها از آسیب‌های حسی و حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی و محرومیت‌های محیطی ناشی نمی‌شود. حتی بعضی از آنها با داشتن توانایی‌های ذهنی بسیار بالا (تیزهوشی) در یک یا چند حیطه با مشکل جدی مواجه هستند (شکوهی-یکتا، ۱۳۸۵).

بسیاری از افراد با ناتوانی‌های یادگیری حتی در کشورهای پیشرفته تا مدت‌ها ناشناخته باقی می‌مانند یا مشکل آنها به غلط تشخیص داده می‌شود. در مواردی این دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی تلقی می‌شوند و در کلاس‌های ویژه یا مدارس ویژه کودکان با عقب‌ماندگی ذهنی جایدهی می‌شوند و در برخی موارد به دلیل داشتن مشکل در توجه، در گروه کودکان با اختلال‌های هیجانی و رفتاری قرار می‌گیرند. بخش دیگری از پیچیدگی حیطه ناتوانی‌های یادگیری به سبب‌شناسی آن مربوط می‌شود. در بسیاری از موارد علل مطرح

1-Kirk

2- Learning Disabilities

شده، ذهنی و آزمون ناپذیر هستند و ما را دچار ابهام و سردرگمی می‌کنند. برخی از آسیب‌های مغزی و نقایص عصب‌شناسی از آن جمله به شمار می‌روند.

اگر چه در گذشته این کودکان ابتدا با اطمینان زیادی پا در عرصه تکالیف و انتظارات مدرسه می‌گذاشتند اما از آن جایی که در برابر انجام برخی از تکالیف از خود عجز و ناتوانی نشان می‌دادند و در نتیجه نمی‌توانستند خود را با سطح توقعات مدرسه وفق دهند. بعد از مدتی از مدرسه اخراج می‌شوند.

اختلال خواندن از گذشته نه چندان دور مورد توجه بود، به طوری که اورتون اصطلاح استروفوسمبولی^۱ به معنی نمادهای چرخش یافته^۲ را برای این نوع از کودکان به کار برد. اورتون دریافت که نسبت بسیار زیادی از این کودکان دارای ناتوانی‌های خاص یادگیری، دارای تلفظ چرخش یافته هستند و در تشخیص حروف و کلمات در خواندن و نوشتن دچار مشکل هستند. برخی تصاویر آینه‌ای از کلمات و حروف دارند. همچنین این کودکان چپ برتری دارند یا در سنی که این برتری نیمکره‌ای تثبیت شده، در آنها این برتری نیمکره‌ای دیده نمی‌شود. این کودکان اکثراً مشکلاتی در جهت‌یابی فضایی، تشخیص راست و چپ و بالا و پایین، توالی حروف و کلمه، هماهنگی بین چشم و دست ارتباط بین اعضای بدن خود و دیگران دارند.

عمل نوشتن در واقع با چند مهارت بسیار مشخص، از جمله توانایی موضوع به صورت کلمه‌ها، ترسیم گرافیکی شکل حروف و کلمه، به کارگیری صحیح ابزار نوشتن و داشتن حافظه دیداری و حرکتی کارآمد، سروکار دارد (والاس و مک لافلین^۳ به نقل از کرمی، ۱۳۷۳). علامت اساسی این ناتوانی، عدم مهارت در نوشتن است که با آزمون‌های استاندارد شده سنجیده می‌شود و با توجه به سن تقویمی، هوش و میزان آموزش فرد به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح مورد انتظار است. این ناتوانی به طور قابل ملاحظه‌ای در پیشرفت تحصیلی و فعالیت‌های روزانه که مستلزم مهارت نوشتاری است، ایجاد اختلال می‌کند (DSM-IV-TR، ۲۰۰۴). یکی دیگر از اختلال‌هایی که دانش‌آموزان در آن با مشکل مواجه هستند اختلال در ریاضیات می‌باشد. بعضی از بانفوذترین رویکردها به رشد، که مبتنی بر کارهای پیازه^۴ (۱۹۵۲)، به نقل از کریمی) اند، بر رابطه‌ی بین مفهوم بقای شیئی^۵ و دانش ریاضی تأکید کرده‌اند.

1-Strephosymbolia
2- Twisted symbols
۳- Valas & Mclaphlin
4- Piaget
5- Object Permanence

دانش‌آموزان با اختلال ریاضی با انواع مختلفی از مشکلات در درس ریاضی روبرو هستند. برای داشتن اختلال در حساب و به طور کلی در ریاضیات اصطلاح نارسایی در ریاضی مرسوم‌ترین اصطلاح است. به طور کلی اختلال در ریاضی به معنی اختلال شدید یا ناتوانی کامل در محاسبه کردن است.

این اختلال عبارت است از ناتوانی در مهارت‌های محاسباتی با توجه به سطح هوش و آموزش کودک (عابدی، ۱۳۸۹). بر اساس ویراست چهارم بازنویسی شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM- IV- TR)، این کودکان در چهار گروه مهارت‌های زبانی، ادراکی، ریاضی و توجهی مرتبط با ریاضیات مشکل دارند. به عبارت دیگر، ناتوانی‌های یادگیری ریاضی اصطلاحی است که برای گستره وسیعی از ناتوانی‌های دیرپا در حوزه ریاضیات به کار می‌رود (دوکر^۱، ۲۰۰۵). گری^۲ (۲۰۰۴) نشان داده است که این گروه از کودکان در رمزگردانی اطلاعات از حافظه بلندمدت مشکل دارند، احتمالاً در خواندن دچار ناتوانی‌اند و عملکردشان در ریاضی ضعیف است.

با توجه به آنچه بیان گردید به کارگیری روش‌های درمانی و آموزشی مناسب جهت کمک به این گروه از افراد جامعه ضرورتی انکارناپذیر است. از آنجایی که روش‌های تئینی اختلالات یادگیری متعدّدند، رویکردهای مختلف در مانگیری در مورد اختلال یادگیری وجود دارد. یکی از این رویکردها راهبردهای شناختی است. راهبردهای یادگیری از جمله شیوه‌های آموزشی است که برای اهداف مذکور به کار گرفته می‌شود. راهبرد شناختی به هرگونه رفتار اندیشه یا عمل گفته می‌شود که یادگیرنده در ضمن یادگیری مورد استفاده قرار می‌دهد و هدف آن کمک به فراگیری، سازمان‌دهی، ذخیره‌سازی دانش‌ها و مهارت‌ها و نیز سهولت بهره‌برداری از آنها در آینده است.

شواهد پژوهشی زیادی وجود دارد که آموزش راهبردهای شناختی بر اختلالات یادگیری کودکان موثر است. نتایج حاصل از پژوهش "الدرسون"^۳ (۲۰۰۸) که دانش‌آموزان دبیرستانی را از نظر استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی مورد بررسی قرار داده بود نشان داد که یادگیرندگان موفق از مهارت‌های شناختی و فراشناختی حداکثر استفاده را می‌برند. دانش‌آموزان قوی بیشتر از دانش‌آموزان ضعیف از راهبردهای شناختی مرور ذهنی، بسط دهی و سازمان‌دهی استفاده می‌کنند. "ورمانت"^۴ (۲۰۰۱) نشان داد که دانش‌آموزان هم از راهبردهای شناختی و هم فراشناختی بهره می‌گیرند. راهبردهای شناختی با مطالعه راهبردهای غیرمستقیم سازگارتر است و افرادی که یادگیری مؤثرتری دارند از هر دو راهبرد شناختی و فراشناختی استفاده می‌کنند.

1- Dowker
2- Geary
3- Anderson
4- Vermaunt

۱-۱ بیان مسأله

طبیعی است که عدم موفقیت کودکان در انجام نقش دانش آموز، هم از سوی مدرسه و هم از طرف خانواده به عنوان مسأله‌ای بسیار جدی تلقی می‌شود. این دلوپسی شدید در باره‌ی عدم موفقیت درسی باعث شده است که مشکلات آموزش و دشواری‌های یادگیری به صورت رایج‌ترین مسأله تجلی نماید (کرمی، ۱۳۸۳). ناتوانی‌های یادگیری در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) مطرح شد.

ناتوانی‌های یادگیری زمانی تشخیص داده می‌شود که پیشرفت فرد بر اساس اجرای انفرادی آزمون‌های استاندارد شده در مهارت خواندن، ریاضیات و نوشتن، با توجه به سن، آموزش و سطح هوش فرد به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح مورد انتظار باشد. این مشکلات به طور قابل ملاحظه‌ای با پیشرفت تحصیلی، با فعالیت‌های روزانه‌ای که مستلزم خواندن، ریاضیات یا مهارت‌های نوشتن هستند، تداخل می‌کند. همچنین ضعف روحیه، عزت نفس پایین و نقایص در مهارت‌های اجتماعی ممکن است با ناتوانی‌های یادگیری همراه باشد. به همین دلیل میزان ترک تحصیل در کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری حدود ۴۰ درصد گزارش شده است. به علاوه این افراد در بزرگسالی دارای مشکلات شغلی یا ناسازگاری اجتماعی جدی هستند (کرمی، ۱۳۸۳).

اصطلاح اختلالات یادگیری بر ناتوانی آن گروه از کودکان دلالت دارد که در یک یا چند فرایند روان‌شناختی پایه که با شناخت یا استفاده از زبان، صحبت کردن یا نوشتن ارتباط دارد، مشکل دارند. این اختلال ممکن است به صورت ناتوانی در گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی، آشکار شود. این اصطلاح شامل حالاتی نظیر معلولیت‌های ادراکی، آسیب مغزی، اختلال جزئی کارکرد مغز، نارسا خوانی و زبان پریشی رشدی می‌باشد. این اصطلاح کودکانی را که مشکلات یادگیری آنها ناشی از معلولیت‌های بینایی، شنوایی یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، اختلالات هیجانی یا وضعیت نامساعد محیطی، فرهنگی و یا اقتصادی هستند، در بر نمی‌گیرد (لرنر^۱، ۱۹۷۷).

راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، شیوع اختلالات یادگیری را ۲ تا ۱۰ درصد جمعیت دانش‌آموزان مدارس بیان کرده است (DSM-IV-TR، ترجمه نیکخو و آوادیس، ۱۳۸۵) در حالی که لرنر (۱۹۷۷) دامنه اختلالات یادگیری را حدود ۱ الی ۳۰ درصد جمعیت مدرسه رو بیان می‌کند.

راهبردهای یادگیری به هرگونه فعالیت داوطلبانه‌ای که فرد می‌تواند برای بهبود یادسپاری و یادگیری خود انجام دهد، می‌گویند (پرسیلی، براکوسکی و اشنایدر^۱، ۱۹۸۷). راهبردهای یادگیری در دو دسته راهبردهای شناختی و فراشناختی را در بر می‌گیرد. راهبردهای شناختی رفتار و افکاری هستند که فرایند ذخیره‌سازی و بازیافت مؤثر اطلاعات از حافظه تأثیر می‌گذارد. راهبردهای شناختی به فرد در یادگیری، یادآوری و فهم کمک می‌کنند تا اطلاعات تازه را برای ترکیب با اطلاعات قبلاً آموخته شده و ذخیره‌سازی آنها در حافظه بلند مدت آماده کند (هاکس^۲، ۲۰۰۵).

خیابانی (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان ضعیف به اندازه دانش‌آموزان قوی از راهبردهای شناختی تکرار و مرور ذهنی استفاده می‌کردند ولی دانش‌آموزان قوی از راهبردهای فراشناختی کنترل و نظارت بیشتر استفاده می‌کردند.

عبدالرحیم حمدان^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان راهبردهای شناختی و فراشناختی در مطالعه دانش‌آموزان علوم پایه در مالزی به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان از سطح بالایی از راهبردهای شناختی و سطح متوسطی از راهبردهای فراشناختی در درس خود به کار می‌گیرند.

پنتریچ و دی‌گروت^۴ (۱۹۹۰) نشان دادند که دانش‌آموزانی که از نظر شناختی در تکالیف خود درگیر می‌شوند، یعنی می‌کوشند از طریق سازماندهی مطالب و تمرین کردن (راهبردهای شناختی) به یادگیری خود کمک کنند، عملکردشان بهتر از دانش‌آموزانی بود که بهره‌گیری از این راهبردها نداشتند.

نیازی (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش راهبردهای شناختی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی دارای ناتوانی‌های یادگیری در زمینه نوشتاری در شهر ایلام پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آموزش راهبردهای شناختی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و هم در زمینه بیان نوشتاری آنان تأثیر مثبتی داشته است.

عبدالله‌پور (۱۳۸۲) در تحقیقی که با عنوان سبک‌های شناختی و راهبردهای یادگیری و تأثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد دانش‌آموزان علوم انسانی از هیچ یک از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده نمی‌کنند.

2- Pressley & Brokowski and Schneider
1-Hocks
2- Abdulrahimm hamdan
3- Pintrich & De Groot

حال با توجه به تناقضاتی که در تحقیقات انجام شده قبلی مشاهده می‌شود این پژوهش سعی دارد تا تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری بر اختلالات یادگیری در کودکان را مورد بررسی قرار دهد تا مشاهده شود که آیا این روش مؤثر است یا نه؟ و آیا بر این سه اختلال مطرح در اختلالات یادگیری مؤثر است؟

۱-۲ اهمیت و ضرورت پژوهش

اختلالات یادگیری یکی از مشکلات شایع در مدارس که باعث ترک تحصیل بسیاری از دانش آموزان شده است. این ناتوانی‌ها نه تنها باعث اتلاف بودجه در آموزش و پرورش شده بلکه مهم تر از آن سلامت روانی کودکان مبتلا به این ناتوانی را به مخاطره می‌اندازد. کودک دارای ناتوانی های یادگیری در خود احساس حقارت می نماید و این ناتوانی در او باعث خودپنداره ضعیف و کاهش عزت نفس و در نهایت ترک تحصیل دانش آموزان می شود.

پژوهش در این زمینه می تواند راه را برای پیدایش اقدامات پیشگیرانه هموار سازد. همچنین زیان‌های اقتصادی ناشی از آن می تواند هم باری بر دوش خانواده‌ها و هم بر آموزش و پرورش باشد. البته زیان‌های عاطفی ناشی از آن را در دانش آموزان دارای این مشکل نباید فراموش کرد که می تواند تبعات بعدی از جمله شکست‌های بعدی، افت تحصیلی، فرار از مدرسه، ترک تحصیل و اختلال رفتاری را به دنبال داشته باشد.

از طرفی دیگر مشکلات یادگیری به عنوان عاملی در ایجاد اضطراب در کودکان، معلمان و والدین محسوب می‌شوند. در نتیجه سرمایه‌گذاری هیجانی بسیار زیادی در مورد علت و درمان آن صورت می‌گیرد (بانکرفت و کار، ۱۹۹۵؛ به نقل از زربخش، ۱۳۷۸).

با نگاهی اجمالی به نظریه‌ها و پژوهش‌های مطرح شده در این زمینه در مورد آسیب‌ها و مشکلاتی که در حیطه روانشناسی و تربیتی طبقه‌بندی می‌شوند، دریافته می‌شود که نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی در مورد این اختلال‌ها و علل احتمالی‌شان وجود دارد و به همان نسبت راهبردها و روش‌های درمانی و آموزشی نیز ارائه شده است. اختلالات یادگیری یکی از این موارد اختلال‌هاست که برای آن علل و راهبردهای درمانی و آموزشی مختلفی ارائه گردیده است. آموزش راهبردهای شناختی یکی از این روش‌هاست که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.